

دانش و پژوهش در روان‌شناسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
شماره سی و چهارم - زمستان ۱۳۸۶
صص ۱۴۲ - ۱۱۷

هنجاریابی پرسشنامه رضایت ازدواج

مه‌دی تبریزی^۱

چکیده

توجه به میزان و کیفیت رضایت از زندگی مشترک زوجین از دیرباز مورد توجه بسیاری از متخصصان و درمانگران خانواده بوده است. بنابراین هنجاریابی پرسشنامه رضایت ازدواج (MSI) هدف اصلی این پژوهش بود. این پرسشنامه یکی از کاربردی‌ترین آزمون‌هایی است که به این منظور ساخته شده است. برای هنجاریابی این آزمون، نسخه اصلی آن به فارسی ترجمه شد و ۲۵۰ زوج ناراضی و ۲۵۰ زوج راضی از زندگی زناشویی آن را تکمیل کردند. بررسی اعتبار پرسشنامه رضایت ازدواج از طریق آلفای کرونباخ ضریب ۰/۹۵ را نشان می‌دهد که ضریب بسیار بالایی محسوب می‌شود. از روش همبستگی درونی برای تعیین میزان روایی مقیاسها استفاده شد و حداکثر آن ضریب ۰/۸۶ به دست آمد. روایی تفکیکی با مقایسه دو گروه راضی و ناراضی از ازدواج به دست آمد و با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان گفت که بین دو گروه راضی و ناراضی از ازدواج تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که پرسشنامه رضایت از ازدواج به عنوان یک ابزار تشخیصی معتبر، پایا و روا

Email: mehditabr@yahoo.com

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

قابلیت استفاده در موقعیت‌های تشخیص، درمان و پژوهش‌های بالینی در زمینه مشکلات مربوط به نارضایتی از زندگی مشترک دارد.
کلید واژه‌ها: رضایت ازدواج، پرسشنامه، هنجاریابی، اعتبار، پایایی، روایی.

مقدمه

یکی از مشکلات موجود در جوامع فعلی بروز مشکلات عدیده در زمینه خانواده و ازدواج است. این‌گونه مشکلات ممکن است به شیوه‌های مختلفی بر شخصیت و رفتار افراد اثر بگذارند و یا رفتار و شخصیت افراد بر وضعیت و چگونگی ازدواج تأثیر بگذارد. به منظور بررسی و شناسایی این مشکلات آزمونهای متعددی در سطح کشور استاندارد شده و مورد استفاده قرار گرفته است، اما هیچ‌کدام به جامعیت آزمون معروف «پرسشنامه رضایت ازدواج» نیست. همکاری‌های حرفه‌ای و تخصصی با درمانگران و مشاوران شاغل در بخش مشاوره ازدواج^۱ و مشاوره خانواده^۲ در سالهای اخیر گسترش روزافزونی داشته است و مجلات و کتابهای زیادی به این‌گونه تحقیقات اشاره کرده‌اند. متخصصان بهداشت روانی^۳ که با افراد متقاضی طلاق^۴ و دارای آشفتگی‌های خانوادگی^۵ سروکار دارند نیز به عملکرد ازدواج توجه ویژه داشته‌اند. به‌رحال، علی‌رغم پیشرفت در زمینه‌های مفاهیم و نظریه‌های مربوط به ازدواج، محدود بودن روشهای تحقیق، درمانگران و محققان را ناامید کرده است. مهمترین مسأله در این زمینه نداشتن ابزار کافی، کارآمد و مناسب برای سنجش و ارزیابی عینی عملکردهای مناسب ازدواج است. گرچه تاکنون ابزار زیادی برای بررسی مشکلات خانوادگی و ازدواج ابداع شده است (ثنائی، ۱۳۷۹)، اما اکثر آنها از اعتبار^۶ و روایی^۷ لازم برخوردار نیستند. بعضی از این آزمونها در ارزیابی زمینه‌های خاصی از عملکرد ازدواج موفق بوده‌اند، اما نتوانسته‌اند ارزیابی کاملی از روابط موجود در ازدواج ارائه دهند. بعضی دیگر در تحقیقات مربوط به خانواده و ازدواج مؤثر بوده‌اند، اما در کاربرد بالینی^۸ چندان موفق نبوده‌اند (اشنایدر^۹، ۱۹۷۹).

1 – Marriage Counseling

2 – Family Counseling

3 – Mental Health Professional

4 – Divorce Seeking

5 – Family Disturbance

6 – Reliability

7 – Validity

8 – Clinical Application

9 – Shnyder

هاروی جی. لاک و کارل ام. والاس در سال ۱۹۵۹ آزمون سازگاری زناشویی لاک-والاس^۱ را که هدفش سنجیدن سازگاری زناشویی^۲ بود، با ۱۵ سؤال ساختند. این ابزار یک آزمون کلی است، لذا استفاده از آن در برنامه‌ریزی درمانهای معطوف به رفتار خاص احتمالاً خیلی سودمند نیست و نمی‌تواند رضایت از ازدواج^۳ را بسنجد (لاک، ۱۹۵۹).

از سال ۱۹۶۰ تحقیقات مختلفی در مورد مسائل مربوط به ازدواج صورت گرفته است ولی اکثر این مطالعات بر ابعاد خاص یا زمینه‌های تعاملی ازدواج متمرکز بوده‌اند. صدها آزمون مختلف برای ارزیابی جنبه‌های مختلف روابط صمیمیت خانوادگی و ازدواج^۴، رضایت جنسی^۵، تعامل با کودکان^۶، نقش‌پذیری^۷ و غیره به‌وجود آمده‌اند. به‌رحال بسیاری از مشکلاتی که برای پرسشنامه‌های اولیه عنوان شده‌اند، برای مقیاسهای اختصاصی امروزی نیز مطرح می‌شوند، از آن جمله: اطلاعات کافی در زمینه اعتبار و روایی معمولاً فراهم نمی‌شد، سوگیری‌های مطلوب اجتماعی^۸ را کنار نمی‌گذاشتند و هنجاریابی این آزمونها بر روی جمعیت عادی اغلب به‌طور اتفاقی بوده و یا اصلاً صورت نمی‌گرفت. علاوه بر این، حتی در مورد پرسشنامه‌هایی که به‌خوبی درست شده بودند، تعداد محدودی که اعتبار و روایی آنها از طریق مدارک و شواهد تجربی به‌دست آمده بود، دارای مشکل کاربرد بالینی بوده‌اند، زیرا آن آزمونها نتوانستند یک مقایسه نسبی از انواع مختلف مشکلات ازدواج فراهم آورند (اشنایدر، ۱۹۷۹).

ناتان اچ. آزرین، بری تی. ناستر، و رابرت جونز^۹ در سال ۱۹۷۳ مقیاس خرسندی زناشویی^{۱۰} که به اندازه‌گیری سطح خرسندی زناشویی در زمان اجرای پرسشنامه می‌پرداخت، ساختند (آزرین، ۱۹۷۳). این مقیاس دارای ۱۰ سؤال براساس طیف درجه‌بندی از کاملاً ناخرسند تا کاملاً خرسند بوده و برای مشخص نمودن

1 – Locke-Wallace Marital Adjustment Test

3 – Marital Satisfaction

5 – Sexual Satisfaction

7 – Role Orientation

9 – Azrin, Naster, & Jones

2 – Marital Adjustment

4 – Intimacy Relationships

6 – Communication with Children

8 – Social Optimal Biases

10 – Marital Happiness Scale

مسئولیت‌ها و تعیین میزان خرسندی زن و شوهر مناسب است. مشکل این آزمون در این است که اطلاعات هنجاری آن موجود نیست و در اصل فقط بر روی ۲۴ زوج هنجاریابی شده است. روایی و اعتبار این آزمون در دست نیست. ناتان بی. اپشتاین، لارنس ام. بالدوین، و دوان اس. بیشاپ^۱، ابزار سنجش خانواده^۲ که یک پرسشنامه^{۳۰} ۶۰ سؤالی است را در سال ۱۹۸۳ به منظور سنجش کارکرد کلی خانواده به وجود آوردند (اپشتاین، ۱۹۸۳). این آزمون می‌تواند فقط ۶ جنبه از عملکرد خانواده را که شامل حل مشکل^۳، ارتباط^۴، نقش‌ها^۵، همراهی عاطفی^۶، آمیزش عاطفی^۷، و کنترل رفتار^۸ هستند مورد ارزیابی قرار دهد، ولی قادر به بررسی دیگر زمینه‌ها نمی‌باشد.

گراهام بی. اسپنیر^۹ در سال ۱۹۷۶ با ساخت مقیاس سازگاری زن و شوهر^{۱۰} به ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی یا روابط دو نفری مشابه پرداخت. ابزار او یک مقیاس ۳۲ سؤالی بود که با سؤالات خود رضایت کلی در یک رابطه صمیمانه را می‌سنجید (اسپنیر، ۱۹۷۶). اولسن، پورتنر و لوی^{۱۱} در سال ۱۹۸۵، مقیاس ارزیابی انطباق‌پذیری و همبستگی خانواده^{۱۲} را ساختند. این آزمون یک ابزار ۲۰ سؤالی است که برای سنجش دو بعد عمده عملکرد خانواده، یعنی همبستگی، انطباق‌پذیری و ارتباط تدوین شده است. این مقیاس نظر اعضای خانواده را نسبت به یکدیگر می‌سنجد (اولسون، ۱۹۸۵). شاخص بی‌ثباتی ازدواج^{۱۳} را که جان ادواردز، دیوید جانسون و آلن بوث^{۱۴} در سال ۱۹۸۷ تهیه کردند با هدف اندازه‌گیری بی‌ثباتی ازدواج یا احتمال طلاق استاندارد شده است. این آزمون با ۱۴ سؤال به منظور مستعد طلاق بودن مورد استفاده قرار گرفته است (ادواردز، ۱۹۸۷).

دیوید اچ. اولسون و همکاران در سال ۱۹۸۹ پرسشنامه پربارسازی و تقویت

-
- | | |
|--|---|
| 1 – Epstein, Baldwin, & Bishop | 2 – Family Assessment Device |
| 3 – Problem Solving | 4 – Relationships |
| 5 – Role Orientation | 6 – Responsiveness |
| 7 – Affective Involvement | 8 – Behavior Control |
| 9 – Spanier | 10 – Dyadic Adjustment Scale of Marriage and Family |
| 11 – Olson, Portner, & Lavee | |
| 12 – Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale (FACES-III) | |
| 13 – Marital Instability Index | 14 – Edwards, Johnson, & Booth |

رابطه، محاوره و خشنودی^۱ (پرسشنامه رضایتمندی زناشویی انریچ) را با هدف تعیین حیطه‌های کاری و نقاط قوت روابط زناشویی طراحی کردند. این پرسشنامه یک ابزار ۱۱۵ سؤالی است که از ۱۴ خرده‌مقیاس درست شده است و چون تعداد سؤالات آن کم است، به‌نظر می‌رسد که نمی‌تواند تمامی ویژگیهای مورد اختلاف زوجین را تشخیص دهد (اولسون، ۱۹۸۹). والتر دابلیو. هودسن^۲ در سال ۱۹۹۲ توانست شاخص رضایت زناشویی^۳ را بسازد که قادر است با ۲۵ سؤال میزان، شدت یا دامنه مشکلات زن یا شوهر را بسنجد. نقطه ضعف این پرسشنامه این است که نمی‌تواند میزان سازگاری زن و شوهر را اندازه‌گیری کند (هودسن، ۱۹۹۲).

به‌هرحال، با رشد روزافزون پیدایش چنین مقیاسهایی که در طول ۵۰ سال گذشته صورت گرفته و هنوز هم تعدادی از آنها مورد استفاده قرار می‌گیرند، پرسشهای مهمی در زمینه روایی و تأثیر بالینی چنین پرسشنامه‌هایی مطرح شده است. اگرچه اکثر این آزمونها در بیشتر مواقع قادر هستند که فرق بین گروههای زوجین آشفته و غیرآشفته را نمایان کنند، اما به‌ندرت توانسته‌اند بینش نسبت به ماهیت دقیق یا منابع مشکلات ازدواج را فراهم آورند. علاوه بر این مطالعات متعددی که در این زمینه انجام شده‌اند نشان می‌دهند که این‌گونه آزمونها به میزان زیادی تحت تأثیر پاسخهای مطلوب اجتماعی قرار گرفته‌اند، زیرا نمرات آزمودنی‌ها ممکن است واقعیتهای کمتری در مورد ازدواج آنها را در مقایسه با تمایل آنها به مطلوب نشان دادن خود، ارائه دهند.

اشنایدر (۱۹۷۹) قبلاً تاریخچه پیدایش و تحول ارزیابی ازدواج را بررسی کرده است. به‌طور خلاصه، تحقیقات اولیه در زمینه تعاملات ازدواج بر شناسایی و پیدایش همبستگی‌های اجتماعی، جمعیت‌شناسی و روان‌شناختی^۴ مربوط به رضایت از ازدواج تأکید داشته‌اند. پیشرفت عمده در زمینه مطالعات اولیه عبارت بود از پیدایش تعداد زیادی از وسایل ارزیابی سازگاری ازدواج. این پرسشنامه‌ها به همراه تعداد دیگری از آزمونها در کشور ما ترجمه، هنجاریابی و ساخته شده‌اند، اما هیچ‌کدام جامعیت پرسشنامه مورد بحث را ندارند.

1 – Enriching and Nurturing Relationship Issues, Communication and Happiness

2 – Hudson

3 – Index of Marital Satisfaction

4 – Psychological

ساخت پرسشنامه رضایت ازدواج^۱ داگلاس اشنایدر در سال ۱۹۷۹ به عنوان نقطه آغازی بوده است تا بتواند یک آزمون خودسنجی^۲ چند وجهی^۳ معتبر و دارای روایی در زمینه روابط متقابل ازدواج را فراهم آورد تا در زمینه‌های تحقیقی و بالینی مورد استفاده قرار گیرد. به این منظور تلاشهای اولیه شامل ساخت تعداد زیادی از جملاتی بود که منعکس‌کننده جنبه‌های مختلف زندگی مشترک بوده و پس از آن در بررسی مجدد تعداد ۲۸۰ جمله درست شد که به ۱۱ مقیاس غیر همپوش تقسیم شدند. برای هر کدام از مقیاسها نیمرخ روانی^۴، اعتبار آزمون-آزمون مجدد^۵، ثبات داخلی^۶، و روایی تفکیکی^۷ صورت گرفت. هنجاریابی این پرسشنامه بر روی دو نمونه آماری از افراد متأهل از یک جمعیت آماری بزرگ صورت گرفت. تحقیقات متعددی برای تشخیص و توانایی پیش‌بینی این آزمون در نمونه‌های بالینی مختلف انجام شد. یک مطالعه گسترده در زمینه روایی این آزمون در کلینیک لافایت (دیترویت) توانست همبستگی‌های بالینی^۸ جداگانه و راههای تعبیر و تفسیر^۹ خاص برای هر کدام از مقیاسهای یازده‌گانه را به‌وجود آورد.

بنابراین دلایل، در طول تابستان سال ۱۹۷۵ طرح کلی MSI را داگلاس اشنایدر پی‌ریزی کرد. در طول سالهای بعدی، بیش از ۱۰۰۰ آزمودنی از جمعیت عادی و جمعیت بالینی مختلف به MSI پاسخ دادند. قصد کلی و طرح مطالعات سنجش مربوط به روایی عبارت بود از یک رویکرد آماری یا «واقعی» (میل^{۱۰}، ۱۹۵۴) که شبیه پرسشنامه شخصیتی چندوجهی مینه‌سوتا^{۱۱} (هثوی^{۱۲}، ۱۹۴۳) و اخیراً، شبیه پرسشنامه شخصیتی کودکان^{۱۳} بوده است (ویرت^{۱۴}، ۱۹۷۷). اگرچه وضعیت فعلی ارزیابی ازدواج با استفاده از MSI پایین‌تر از سطح دقتی است که MMPI در ارزیابی عینی شخصیت

- | | |
|---|---------------------------|
| 1 – Marital Satisfaction Inventory (MSI) | 2 – Self-report |
| 3 – Multiple | 4 – Profile |
| 5 – Pre-test Post-test Validity | 6 – Internal Consistency |
| 7 – Differential Validity | 8 – Clinical Correlations |
| 9 – Interpretation | 10 – Meehl |
| 11 – Minnesota Multiphase Personality Inventory | 12 – Hathaway |
| 13 – Personality Inventory for Children (PIC) | 14 – Wirt |

دارد، اما مثل MMPI مطالعات بیشتر در مورد مفید بودن این پرسشنامه در موقعیتهای مختلف و اهداف مختلف ضروری می‌باشد. مطالعات اولیه از مفید بودن MSI در موارد تحقیقی و بالینی حمایت کرده‌اند. مطالعات آینده عمق و تعمیم‌پذیری این یافته‌ها را تعیین خواهند کرد. این پرسشنامه همبستگی خود را با دیگر آزمونهای رضایت ازدواج نشان داده است (میشل^۱، ۱۹۸۵). از نظر جونی و گریم^۲ (۱۹۹۴) به عنوان بهترین و بی‌نظیرترین آزمون در نوع خود می‌باشد. کایزر و سوئیت لند^۳ مقیاسهای مختلف MSI را یک ابزار خوب ساختار شده‌ای می‌دانند که از درجه سودمندی بالایی برخوردار است (کایزر، ۱۹۸۵). در یک مطالعه، نگگی و اشنایدر^۴ پرسشنامه MSI را در کشور اسپانیا هنجاریابی کردند و ضرایب پایایی درونی و ثبات درونی آن را به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۷۵ محاسبه کردند و آزمون آماری تحلیل چند متغیره نشان داد که نوع زبان هیچ‌گونه تأثیری در نمرات مقیاسهای این پرسشنامه ندارد (نگگی، ۲۰۰۰). طی سالهای گذشته فرم کامپیوتری این پرسشنامه تهیه شده که هم نمره‌گذاری و هم تعبیر و تفسیر آن را آسان نموده است. اولسون و فوور^۵ مطالعاتی در زمینه شکل‌گیری تیپ‌های ازدواج صورت داده‌اند که بسیاری از آنها بر اساس پرسشنامه رضایت از ازدواج استوار بوده است (اولسون، ۱۹۹۳). اشنایدر و اشمیتز^۶ (۱۹۸۶) نیز این نوع تیپ‌شناسی را که بر اساس کاربرد آزمون رضایت از ازدواج و دیگر پرسشنامه‌ها استخراج شده است تأیید کردند. این تحقیقات بر کاربردی بودن MSI تمرکز داشته‌اند. شی‌یر و اشنایدر^۷ بالا بودن میزان همبستگی‌های موجود در مقیاسهای مختلف MSI را که توانسته است کاربرد تفسیری این پرسشنامه را نشان دهد در تحقیقات خود به دست آورده‌اند (شی‌یر، ۱۹۸۴). تحقیقات نگگی و اشنایدر (۱۹۹۷) توانایی پرسشنامه رضایت از ازدواج را در تفکیک دو گروه راضی و ناراضی از ازدواج در زوجین آمریکایی مکزیکی تبار و زوجین آمریکایی سفیدپوست غیر اسپانیایی تبار به اثبات رسانده است.

1 – Mitchell

2 – Juni & Grimm

3 – Keyser & Sweetland

4 – Negy & Snyder

5 – Olson & Fowers

6 – Snyder & Smith

7 – Scheer & Snyder

اهداف این طرح پژوهشی عبارت‌اند از:

- ۱- تعیین سؤالهای مناسب و نامناسب پرسشنامه رضایت ازدواج
- ۲- تعیین پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش کرونباخ
- ۳- تعیین روایی پرسشنامه از طریق روایی صوری و تفکیکی
- ۴- تعیین توزیع نمرات و هنجار

روش

۱- تهیه و ترجمه ابزار تحقیق

پرسشنامه‌ای که انتخاب شده است یکی از معتبرترین و کاملترین ابزارهای است که برای ارزیابی همه‌جانبه کارآیی خانواده طراحی شده است. این آزمون «پرسشنامه رضایت ازدواج» نام دارد که داگلاس اشنایدر ابداع کرده و به زبان انگلیسی است. نسخه اصلی این آزمون ۲۸۰ جمله دارد که آزمودنی‌ها پاسخ به آنها را به صورت بلی یا خیر مشخص می‌کنند. مقیاس‌های این آزمون شامل یازده مورد می‌باشد که به قرار زیر است: رضایت قراردادی^۱، آشفتگی فراگیر^۲، روابط عاطفی^۳، روابط حل مسأله^۴، در کنار یکدیگر بودن^۵، عدم توافق در مورد مسائل مالی^۶، نارضایتی از امور جنسی^۷، پذیرش نقش‌ها^۸، سابقه آشفتگی خانوادگی^۹، نارضایتی از فرزندان^{۱۰}، و تضاد در فرزندپروری^{۱۱}. آزمودنی‌ها پاسخهای خود را به صورت بلی یا خیر در پاسخنامه مربوط مشخص می‌کنند. نمره‌گذاری این آزمون ۱ و صفر است که به ترتیب برای پاسخهای بلی و خیر در نظر گرفته شده است. روایی این آزمون را اشنایدر (۱۹۷۹) محاسبه کرده که ۰/۹۵ می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ^{۱۲} مربوط به پایایی آزمون-آزمون مجدد مقیاسهای مختلف MSI در تحقیق اشنایدر ۰/۹۲ بوده است. اعتبار این آزمون را نیز اشنایدر (۱۹۷۹) از

1 – Conventionalization

3 – Affective Communication

5 – Time Together

7 – Sexual Dissatisfaction

9 – Family History of Distress

11 – Conflict Over Children

2 – Global Distress

4 – Problem-Solving Communication

6 – Disagreement About Finance

8 – Role Orientation

10 – Dissatisfaction with Children

12 – Cronbach's Alpha

طریق محاسبه همبستگی درونی مقیاسهای مختلف محاسبه کرده که از ۰/۰۱ تا ۰/۸۱ در نوسان بوده است. این نتایج نشان‌دهنده میزان پایایی بالای آزمون MSI در جمعیت عادی و دارای مشکل می‌باشد.

۲- تعیین روایی صوری به کمک متخصصان

در این مرحله از طرح پژوهشی محقق و دو متخصص دیگر که به زبان انگلیسی آشنایی کامل داشتند، اقدام به ترجمه سلیس و روان این آزمون به زبان فارسی کردند و به دنبال آن ویراستاری نیز صورت گرفت به نحوی که از لحاظ مفهومی با فرهنگ مردم کشور ما تضادی نداشت. سپس متن فارسی حاصل از این ترجمه را محقق و چند نفر دیگر از متخصصان زبان انگلیسی، دوباره به انگلیسی برگرداندند و دو فرم انگلیسی با یکدیگر مقایسه شدند. به منظور بررسی میزان روایی این آزمون از روایی صوری^۱ استفاده شد و جملات به دست آمده به دو نفر از متخصصان رشته مشاوره که استاد دانشگاه هم بودند داده شد و نظر آنها در خصوص جملات این آزمون خواسته شد. در نهایت در متن ترجمه شده اصلاحاتی صورت گرفت. بعضی از جملات این پرسشنامه چون با توجه به فرهنگ کشور ما مناسب نبودند تغییر داده شد و یا حذف گردید.

۳- انتخاب نمونه‌ها

جامعه آماری این تحقیق شامل افراد متأهل متقاضی طلاق و یا افراد دارای مشکلات خانوادگی و ازدواج بود که در استان اصفهان زندگی می‌کنند. این افراد کسانی بودند که به مراکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره، دادگاههای خانواده، درمانگاههای روانپزشکی و روان‌درمانی، مراکز مشاوره سازمان بهزیستی، مراکز ترک اعتیاد، مراکز مداخله در بحران خانواده و اورژانس اجتماعی و مراکز مشاوره خانواده به منظور کاهش طلاق مراجعه کرده بودند. نمونه آماری شامل ۵۰۰ نفر افراد مراجعه کننده به مراکز ذکر شده در بخش جامعه آماری در سطح استان اصفهان بود. این افراد شامل ۱۲۵ زن و شوهری بودند که به عنوان افراد گروه متقاضی طلاق یا دارای مشکل زناشویی در پژوهش

1 – Face Validity

حاضر انتخاب شدند. برای گروه گواه که افراد آن متقاضی طلاق یا دارای مشکل زناشویی نبودند، تعداد ۱۲۵ نفر از مراجعان به مراکز ذکر شده که برای پیگیری مسائلی غیر از مشکل ازدواج و خانواده مراجعه کرده بودند، مثل مسائل حقوقی، سم‌زدایی برای ترک اعتیاد، درمان اختلالات روانی، کاهش مشکلات تحصیلی و یادگیری کودکان خود و غیره استفاده شد. افراد هر دو گروه به‌طور تصادفی انتخاب شدند و از هر مرکز که ذکر آن در بالا رفت، ۵ زوج برای گروه آزمایش و ۵ زوج برای گروه گواه انتخاب شدند. واحد نمونه‌گیری در این تحقیق افراد مراجعه‌کننده به مراکز ذکر شده در بالا بودند. برای تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن توضیح هدف تحقیق و مفید بودن نتایج آن برای جامعه از هر دو گروه خواسته شد تا با صبر و حوصله و دقت هر چه تمامتر به سؤالات آن پاسخ دهند. از افراد مراجعه‌کننده به مراکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره، دادگاه‌های خانواده، درمانگاه‌های روانپزشکی و روان‌درمانی، مراکز مشاوره سازمان بهزیستی، مراکز ترک اعتیاد، مراکز مداخله در بحران خانواده و اورژانس اجتماعی و مراکز مشاوره خانواده به منظور کاهش طلاق خواسته شد تا در این پژوهش همکاری داشته باشند.

۴- اجرای آزمایشی پرسشنامه

در این مرحله، پرسشنامه حاضر به ۵۰ زن و ۵۰ مرد متأهل دانشجوی ارئه و از آنها خواسته شد تا موارد مبهم و ناقص آن را مشخص کنند و درجه دشواری آن را تعیین کنند. آنها مشخص کردند که پرسشنامه از شکل و ظاهر آراسته و پسندیده‌ای برخوردار است، سؤالات آن قابل فهم و تعداد سؤالات مناسب است و غلط‌های املائی و انشایی ندارد و حدود ۵۰ دقیقه وقت لازم است تا آن را تکمیل کنند. در پایان تمامی نواقص و ابهامات موجود در جملات مشخص و رفع گردید.

۵- اجرای اصلی پرسشنامه

در بخش اصلی توزیع پرسشنامه ۸۰۰ آزمودنی در نظر گرفته شد که اگر احتمالاً تعدادی از آنها همکاری نکردند و پرسشنامه‌ها را تکمیل نکرده و یا باز نگرداندند،

حجم نمونه افت نکند. همان‌طور که انتظار می‌رفت فقط ۵۰۰ پرسشنامه عودت داده شد و برای تجزیه و تحلیل آماری قابل استفاده بود. پرسشنامه‌های رضایت از ازدواج به همراه پاسخنامه مربوط به صورت انفرادی به آزمودنی‌ها اعم از زن یا شوهر و یا هر دو آنها داده می‌شد و از آزمودنی خواسته می‌شد تا با صبر و حوصله اقدام به تکمیل پرسشنامه‌ها کنند. در تسریع این کار از راهنماییانی استفاده می‌شد که با گذراندن دوره‌های آموزشی در هدایت آزمودنی‌ها به هنگامی که سؤالی برای آنها پیش می‌آمد می‌توانستند مشکلات موجود را برطرف سازند.

۶- تحلیل سؤالات

پس از تکمیل پرسشنامه‌ها اعداد خام هر کدام از مقیاسهای یازده‌گانه مربوط به هر آزمودنی محاسبه شد و سپس به نرم‌افزار آماری SPSS سپرده شد و تمامی آمار توصیفی و استنباطی زنان، مردان، افراد ناراضی از ازدواج و افراد راضی از ازدواج محاسبه و استخراج شد. اولین قدم در تجزیه و تحلیل داده‌ها تعیین میزان روایی آزمون MSI بود. در این مرحله تحلیل عاملی^۱ سؤالات از طریق روش آماری همبستگی صورت گرفت و آن مواردی که در هر کدام از مقیاسها با یکدیگر همبستگی بالا و معناداری داشتند مشخص شدند. بدین وسیله ابزار اولیه‌ای به دست آمد که در برگیرنده تمامی عوامل لازم برای ارزیابی افراد در زمینه مشکلات ازدواج و رضایت از آن بود. روایی آزمون در این مرحله براساس همبستگی درونی سؤالات از طریق محاسبه ضریب همبستگی بین تمامی جملات و نمره کل آزمون به دست آمد. ضرایب تعداد زیادی از سؤالات بالا بوده که موجب نگهداری سؤالات مربوط شد و ضرایب تعداد اندکی از سؤالاتی که پایین بوده‌اند موجب حذف آن سؤالات شد. در مجموع ۱۷۵ ماده از مجموعه ۲۸۰ ماده اصلی آن استخراج شد. در جدول ۱ ضرایب اصلاح شده نشان داده شده است.

1 – Factor Analysis

جدول ۱- همبستگی هر کدام از مواد آزمون با کل آزمون

همبستگی	مواد آزمون	همبستگی	مواد آزمون	همبستگی	مواد آزمون	همبستگی	مواد آزمون
۰/۱۴۲۸	۱۳۳	۰/۶۶۵۳	۸۹	۰/۶۴۴۵	۴۵	۰/۷۶۰۷	۱
۰/۴۱۵۲	۱۳۴	۰/۶۸۲۶	۹۰	۰/۶۸۷۱	۴۶	۰/۵۴۳۵	۲
۰/۲۳۸۶	۱۳۵	۰/۳۶۹۳	۹۱	۰/۶۸۵۷	۴۷	۰/۱۰۶۶	۳
۰/۳۶۶۱	۱۳۶	۰/۳۶۶۸	۹۲	۰/۲۳۲۹	۴۸	۰/۷۷۲۴	۴
۰/۶۱۲۵	۱۳۷	۰/۷۶۳۳	۹۳	۰/۲۴۵۰	۴۹	۰/۴۷۷۷	۵
-۰/۰۷۱۸	۱۳۸	۰/۱۴۳۵	۹۴	۰/۳۸۳۶	۵۰	۰/۵۰۸۳	۶
۰/۳۸۴۵	۱۳۹	۰/۶۵۶۵	۹۵	۰/۲۶۸۴	۵۱	۰/۱۶۰۰	۷
۰/۱۱۱۶	۱۴۰	۰/۱۶۲۹	۹۶	۰/۲۵۲۵	۵۲	۰/۲۴۹۷	۸
۰/۴۴۳۶	۱۴۱	۰/۲۹۴۶	۹۷	-۰/۰۴۵۶	۵۳	۰/۳۶۷۷	۹
۰/۱۰۹۸	۱۴۲	-۰/۱۱۹۴	۹۸	۰/۴۵۵۰	۵۴	۰/۱۶۳۸	۱۰
۰/۵۴۷۷	۱۴۳	۰/۳۵۴۷	۹۹	-۰/۰۰۱۴	۵۵	۰/۵۰۹۴	۱۱
۰/۳۴۸۳	۱۴۴	۰/۵۱۰۶	۱۰۰	۰/۱۵۸۸	۵۶	۰/۳۴۴۳	۱۲
-۰/۰۷۳۴	۱۴۵	۰/۰۵۳۰	۱۰۱	۰/۶۶۰۰	۵۷	۰/۲۴۴۶	۱۳
۰/۴۶۹۲	۱۴۶	۰/۶۲۱۳	۱۰۲	۰/۱۲۸۶	۵۸	۰/۲۸۹۶	۱۴
۰/۲۳۶۰	۱۴۷	۰/۰۳۹۱	۱۰۳	۰/۴۱۹۶	۵۹	۰/۱۹۳۹	۱۵
۰/۷۳۵۰	۱۴۸	۰/۵۶۴۲	۱۰۴	۰/۱۳۹۱	۶۰	۰/۲۶۸۳	۱۶
۰/۷۳۶۷	۱۴۹	۰/۳۰۰۸	۱۰۵	۰/۵۵۶۱	۶۱	۰/۳۲۱۶	۱۷
۰/۱۴۷۶	۱۵۰	۰/۰۲۷۹	۱۰۶	۰/۲۹۵۹	۶۲	۰/۳۲۱۶	۱۸
-۰/۰۴۲۱	۱۵۱	۰/۱۶۳۰	۱۰۷	۰/۶۸۷۱	۶۳	۰/۳۶۴۹	۱۹
۰/۱۲۵۰	۱۵۲	۰/۶۹۸۴	۱۰۸	۰/۵۹۶۵	۶۴	۰/۳۰۵۶	۲۰
۰/۲۸۳۰	۱۵۳	-۰/۰۲۵۷	۱۰۹	۰/۱۵۶۲	۶۵	۰/۴۲۶۱	۲۱
۰/۰۲۵۸	۱۵۴	۰/۶۹۹۳	۱۱۰	۰/۶۷۴۲	۶۶	۰/۳۷۷۲	۲۲

۰/۴۲۷۷	۱۵۵	۰/۶۳۹۱	۱۱۱	۰/۱۴۶۹	۶۷	۰/۳۲۹۴	۲۳
-۰/۰۳۵۴	۱۵۶	۰/۳۲۷۱	۱۱۲	۰/۷۴۵۹	۶۸	۰/۲۷۷۶	۲۴
۰/۱۰۶۴	۱۵۷	۰/۳۲۰۲	۱۱۳	۰/۲۲۷۹	۶۹	۰/۳۸۶۲	۲۵
۰/۱۶۵۷	۱۵۸	۰/۱۳۲۳	۱۱۴	۰/۵۵۴۰	۷۰	۰/۵۱۶۶	۲۶
۰/۱۳۶۵	۱۵۹	-۰/۰۱۵۱	۱۱۵	۰/۶۹۹۴	۷۱	۰/۶۷۴۸	۲۷
۰/۰۹۵۸	۱۶۰	۰/۱۴۸۲	۱۱۶	۰/۳۰۳۶	۷۲	۰/۲۸۲۱	۲۸
-۰/۰۸۱۱	۱۶۱	۰/۶۱۶۴	۱۱۷	۰/۱۴۴۴	۷۳	-۰/۰۲۸۶	۲۹
-۰/۲۰۵۶	۱۶۲	۰/۲۲۷۶	۱۱۸	۰/۶۷۱۰	۷۴	۰/۲۵۲۴	۳۰
۰/۲۲۹۶	۱۶۳	۰/۳۸۳۲	۱۱۹	۰/۳۴۲۵	۷۵	۰/۶۶۳۲	۳۱
۰/۱۰۷۷	۱۶۴	۰/۴۱۷۱	۱۲۰	۰/۳۹۹۳	۷۶	۰/۳۹۰۴	۳۲
۰/۱۰۳۴	۱۶۵	۰/۱۰۸۰	۱۲۱	۰/۲۸۶۲	۷۷	۰/۴۸۵۸	۳۳
۰/۱۰۷۰	۱۶۶	۰/۴۱۵۳	۱۲۲	۰/۴۲۶۰	۷۸	۰/۲۳۲۴	۳۴
۰/۱۱۳۵	۱۶۷	۰/۶۳۰۹	۱۲۳	-۰/۰۰۸۱	۷۹	۰/۶۴۸۸	۳۵
۰/۱۶۸۵	۱۶۸	۰/۱۲۷۵	۱۲۴	۰/۴۵۶۳	۸۰	۰/۱۴۵۹	۳۶
۰/۲۸۱۶	۱۶۹	۰/۳۶۲۴	۱۲۵	۰/۶۲۶۹	۸۱	۰/۴۵۲۴	۳۷
۰/۱۰۴۲	۱۷۰	۰/۴۷۹۲	۱۲۶	۰/۵۸۴۹	۸۲	۰/۲۴۴۷	۳۸
۰/۰۷۲۳	۱۷۱	۰/۱۶۴۱	۱۲۷	-۰/۰۲۱۲	۸۳	۰/۵۵۹۳	۳۹
-۰/۰۷۱۰	۱۷۲	۰/۵۹۱۱	۱۲۸	۰/۶۷۸۳	۸۴	۰/۲۹۶۰	۴۰
۰/۲۱۷۳	۱۷۳	۰/۲۶۱۰	۱۲۹	۰/۴۹۱۶	۸۵	۰/۴۱۴۲	۴۱
۰/۲۰۶۷	۱۷۴	۰/۳۵۷۳	۱۳۰	۰/۵۱۷۶	۸۶	۰/۵۳۸۱	۴۲
۰/۱۳۸۵	۱۷۵	۰/۷۱۸۴	۱۳۱	۰/۵۶۰۳	۸۷	۰/۶۱۶۷	۴۳
		۰/۴۶۶۸	۱۳۲	۰/۵۴۹۴	۸۸	۰/۶۲۷۱	۴۴

مقیاسهای یازده گانه این آزمون بدون توجه به کاهش تعداد مواد آزمون به همان صورت باقی ماندند، ولی تعداد مواد هر کدام از مقیاسها بر اساس جدول ۲ کاهش پیدا کرد.

جدول ۲- مواد هر مقیاس و علائم اختصاری در پژوهش حاضر
و مقایسه آن با مقیاسهای اصلی آزمون MSI

ردیف	مقیاسها		تعداد سؤالات	
	نام مقیاسها	علائم اختصاری مقیاسها	پژوهش اولیه	پژوهش حاضر
۱	رضایت قراردادی	CNV	۲۱	۱۳
۲	آشفتگی فراگیر	GDS	۴۳	۲۳
۳	روابط عاطفی	AFC	۲۶	۱۸
۴	روابط حل مسأله	PSC	۳۸	۲۳
۵	اوقات فراغت	TTO	۲۰	۱۲
۶	عدم توافق در مورد مسائل مالی	FIN	۲۲	۱۵
۷	نارضایتی از روابط جنسی	SEX	۲۹	۱۷
۸	پذیرش نقش	ROR	۲۵	۱۶
۹	تاریخچه آشفتگی‌های خانوادگی	FAM	۱۵	۱۲
۱۰	نارضایتی از کودکان	DSC	۲۲	۱۵
۱۱	کشمکش در فرزندپروری	CCR	۱۹	۱۱
	کل		۲۸۰	۱۷۵
	تعداد نمونه (نفر)		۷۵۰	۵۰۰

۷- محاسبه ضریب پایایی

در این مرحله از بین پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، دو گروه از آزمودنی‌ها انتخاب شدند. گروه اول شامل افراد دارای مشکل خانوادگی، مشکل ازدواج و یا متقاضی طلاق بودند. این گروه شامل حدود ۲۵۰ زن و مردی بود که به مراکزی که قبلاً به آنها اشاره شد، مراجعه کرده بودند. مجموعه این آزمون همچنین برای مقایسه به گروه افراد عادی و بدون مشکل ارائه شد. این گروه شامل ۲۵۰ مرد و زنی است که برای اهداف دیگری

به غیر از مشکلات زناشویی و طلاق به همان مراکزی که گروه نمونه از آن انتخاب شده‌اند، مراجعه کرده‌اند. به منظور تعیین میزان اعتبار MSI، ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد که برابر با ۰/۹۵ بود که نشانه اعتبار خوب این آزمون است. همچنین ضرایب مربوط به پایایی درونی محاسبه شدند. چون ضرایب به دست آمده بالا بودند، موجب قابل استفاده بودن این آزمون شد. در جدول ۳ این ضرایب آمده است. ضرایب پایایی درونی مقیاسها از ۰/۵۷ (FAM) یعنی تاریخچه آشفته‌گی‌های خانوادگی تا ۰/۹۴ (GDS) یعنی آشفته‌گی فراگیر در نوسان بوده‌اند. می‌توان چنین استنباط کرد که آشفته‌گی‌های فراگیر بیشترین و تاریخچه آشفته‌گی‌های خانوادگی کمترین اثر را در میزان رضایت از ازدواج دارد. بقیه مقیاسها به خوبی این میزان را تبیین می‌کنند.

جدول ۳- ضرایب آلفای کرونباخ مربوط به پایایی درونی

مقیاسهای مختلف MSI

ضریب آلفا	انحراف معیار	میانگین	مقیاسهای MSI
۰/۸۲	۲/۷۷	۸	CNV
۰/۹۴	۹/۴۸	۱۳/۴۰	GDS
۰/۸۴	۴/۵۰	۱۰/۵۲	AFC
۰/۷۵	۴/۳۷	۱۲/۴۹	PSC
۰/۷۶	۲/۸۸	۶/۴۱	TTO
۰/۷۲	۲/۰۵	۸/۹۵	FIN
۰/۶۶	۲/۴۴	۹/۳۲	SEX
۰/۵۹	۲/۵۲	۱۰/۸۴	ROR
۰/۵۷	۱/۶۱	۵/۹۷	FAM
۰/۹۱	۲/۱۶	۷/۶۵	DSC
۰/۸۶	۱/۴۰	۵/۷۶	CCR
۵۰/۹	۱۰/۵۹	۹۵/۸۹	Total
۵۰۰			تعداد نمونه

روابط موجود بین مقیاسهای MSI را می‌توان از طریق مشاهده مستقیم همبستگی درونی مقیاسها یا از طریق آزمایش عوامل ساختاری پرسشنامه متوجه شد. به‌طور خلاصه، نتایج نشان‌دهنده همبستگی بالا در بین مقیاسها می‌باشد، به‌خصوص آن مقیاسهایی که موارد کلی‌تر و عاطفی‌تر روابط زن و شوهر را ارزیابی می‌کنند. علی‌الخصوص ترتیب رتبه‌ای همبستگی‌های میانگین هر مقیاس با دیگر مقیاس‌ها نشان‌دهنده ترتیب قدرت پیش‌بینی‌کنندگی هر مقیاس در زمینه آشفتگی ازدواج است. از روش همبستگی درونی برای تعیین میزان روایی مقیاسها استفاده شد و ضرایب مختلفی بر اساس جدول ۴ حاصل شد. دامنه این ضرایب از ۰/۰۲ تا ۰/۸۶ در نوسان است. بیشترین این همبستگی‌ها بین دو مقیاس آشفتگی فراگیر (GDS) و رضایت قراردادی (CNV) از یک‌سو و دو مقیاس آشفتگی فراگیر (GDS) و روابط عاطفی (AFC) از سوی دیگر بوده است.

۸- مقایسه گروهها به منظور تعیین روایی تفکیکی

یکی دیگر از روش‌هایی که به ما در تعیین میزان روایی یک آزمون کمک می‌کند، روایی تفکیکی است. در این روش دو گروه افراد راضی از ازدواج و ناراضی از ازدواج از طریق میانگین‌ها با یکدیگر مقایسه شدند. همچنین یازده مقیاس مختلف در هر دو گروه بررسی شدند. جدول ۵ به معنادار بودن تفاوت‌های موجود بین میانگین‌های هر دو گروه در همه مقیاسها اشاره دارد. با توجه به این یافته‌ها می‌توان استنباط کرد که آزمون MSI به خوبی می‌تواند دو گروه راضی و ناراضی از ازدواج را با اطمینان از یکدیگر تفکیک کند و با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان گفت که بین دو گروه راضی از ازدواج و ناراضی از ازدواج تفاوت معناداری وجود دارد و این آزمون به خوبی می‌تواند تفاوت دو گروه را در تمامی مقیاسهای یازده‌گانه معلوم کند. در نمودار ۱ میانگین‌های دو گروه راضی و ناراضی از ازدواج به شکل هیستوگرام مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. به منظور پیش‌بینی متغیر رضایت از ازدواج از روی هر کدام از مقیاسهای یازده‌گانه مجذور Eta^۱ محاسبه شد. این مقادیر در جدول ۵ آمده‌اند. مقیاس تاریخچه آشفتگی خانوادگی (FAM) با مجذور ۰/۶۵ و مقیاس کشمکش در فرزندپروری (CCR) با مجذور ۰/۲۰ به ترتیب بیشترین و کمترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی میزان رضایت از ازدواج را داشته‌اند.

۱- Eta Squared (شاخص پیش‌بینی‌کننده یک متغیر از روی یک متغیر دیگر)

جای جدول ۴

جدول ۵- میانگین انحراف معیار و سطوح معناداری افراد راضی و ناراضی از ازدواج
در مقیاس‌های مختلف MSI

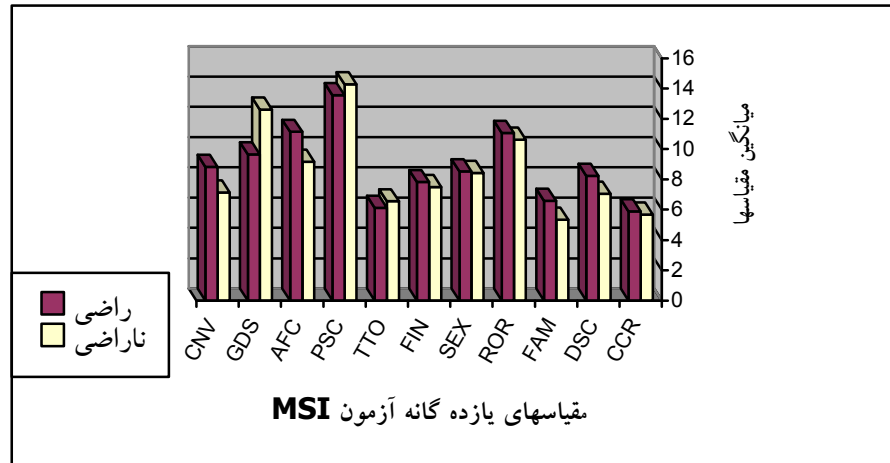
Eta	سطح اطمینان	t	df	ناراضی (N=۲۵۰)		راضی (N=۲۵۰)		مقیاسها
				انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۴۵	۰/۰۰۰	۱۱۶/۲۰	۴۹۸	۱/۷۸۱	۷/۱۴	۱/۴۶۰	۸/۸۲	CNV
۰/۵۶	۰/۰۰۰	۷۱۳/۲۴	۴۹۸	۲/۲۴۳	۱۲/۶۲	۱/۸۶۸	۹/۶۵	GDS
۰/۴۷	۰/۰۰۰	۷۵۶/۲۰	۴۹۸	۲/۳۸۹	۹/۱۷	۲/۰۷۰	۱۱/۱۴	AFC
۰/۴۱	۰/۰۰۰	۵۱۰/۱۸	۴۹۸	۲/۸۰۸	۱۴/۲۹	۳/۱۲۸	۱۳/۵۶	PSC
۰/۴۲	۰/۰۰۰	۹۱۶/۱۸	۴۹۸	۱/۶۶۲	۶/۵۵	۱/۴۹۶	۶/۱۲	TTO
۰/۴۸	۰/۰۰۰	۵۸۹/۱۰	۴۹۸	۱/۶۲۶	۷/۴۹	۱/۶۸۶	۷/۸۲	FIN
۰/۵۷	۰/۰۰۰	۱۳۴/۷	۴۹۸	۲/۰۵۸	۸/۴۲	۱/۸۹۹	۸/۵۳	SEX
۰/۴۳	۰/۰۰۰	۹۵۶/۱	۴۹۸	۲/۳۳۶	۱۰/۶۲	۲/۶۸۳	۱۱/۰۶	ROR
۰/۶۵	۰/۰۰۰	۳۳۷/۹	۴۹۸	۱/۵۹۹	۵/۳۴	۱/۳۷۲	۶/۵۹	FAM
۰/۳۵	۰/۰۰۰	۳۹۳/۶	۴۹۸	۲/۱۷۲	۷/۰۵	۱/۹۹۴	۸/۲۴	DSC
۰/۲۰	۰/۰۰۰	۰۹۵/۱۱	۴۹۸	۱/۴۲۸	۵/۶۷	۱/۳۹۷	۵/۸۹	CCR
۰/۴۵	۰/۰۰۰	۳/۲۵	۴۹۸	۱۰/۲۴	۹۴/۳۶	۱۰/۷۴	۹۷/۴	Total

بحث و تفسیر یافته‌ها و نتیجه‌گیری

هدف از اجرای این تحقیق هنجاریابی آزمون رضایت ازدواج بود. این آزمون یکی از معتبرترین ابزار سنجش رضایت ازدواج است که تقریباً کاربرد جهانی دارد (شی‌یر، ۱۹۸۴ و اشنایدر، ۱۹۷۹). در مقاله‌ای تحت عنوان آشفستگی‌های زوجین، آبوت و اشنایدر (۲۰۰۲) از این آزمون استفاده کرده و به نتایج جالبی دست پیدا کردند. با تجزیه

و تحلیل داده‌های آماری فرضیه‌های تحقیق حاضر بررسی و تمامی آنها از لحاظ آماری مورد تأیید قرار گرفتند.

نمودار ۱- هیستوگرام مقایسه میانگین‌های دو گروه راضی و ناراضی از ازدواج



اولین نتیجه‌ای که از تجزیه و تحلیل آماری به دست آمد، میزان اعتبار MSI بود. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که برابر با ۰/۹۵ بود و نشانه اعتبار بسیار بالای این آزمون می‌باشد. این ضریب مشابه ضریبی است که اشنایدر (۱۹۷۹) ۰/۹۵ محاسبه کرده است. در حالی که دامنه ضرایب تحقیق او از ۰/۸۰ تا ۰/۹۷ در نوسان بوده است، اما ضرایب پایایی درونی مقیاسهای پژوهش حاضر از ۰/۵۷ (FAM) یعنی تاریخچه آشفتگی‌های خانوادگی تا ۰/۹۴ (GDS) یعنی آشفتگی فراگیر در نوسان بوده است. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات وایزمن (۲۰۰۳)؛ کاستلانی و وایزمن و اشنایدر (۲۰۰۶)؛ گوردون، باوکوم و اشنایدر (۲۰۰۴^a)؛ گوردون، باوکوم و اشنایدر (۲۰۰۴^b)؛ وایزمن و اشنایدر (۲۰۰۴)؛ وایزمن (۲۰۰۴)؛ سپدا-بیتو، آبوت، گلیوز، نگی، هالوگ، لاورنس و اشنایدر (۲۰۰۴)؛ منگروم (۲۰۰۵)؛ کوک و اشنایدر (۲۰۰۵)؛ داس (۲۰۰۵)؛ کاستلانی، اشنایدر و اشنایدر (۲۰۰۳)؛

وایزمن (۲۰۰۴)؛ هیمن، هاینز و اشنايدر (۲۰۰۵)؛ سیمپسون و هاگز (۲۰۰۶)؛ اشنايدر، باوکوم و گوردون (۲۰۰۷)؛ باوکوم، اشنايدر و گوردون (۲۰۰۷)، همخوانی بالایی دارد. به‌منظور ارزیابی میزان اعتبار، ضریب همبستگی بین تمامی جملات و نمره کل آزمون به‌دست آمد و با کاهش تعدادی از مواد آزمون ضرایب همبستگی اصلاح شده هم محاسبه شدند. در واقع سؤالاتی که دارای ضرایب بسیار پایین بودند و یا ضرایب آنها منفی بودند از مجموعه ۲۸۰ آزمون حذف شدند. این ضرایب بین ۰/۰۱۴ تا ۰/۷۶۳۳ در نوسان بودند. با توجه به کاهش تعداد سؤالات از ۲۸۰ به ۱۷۵، تعداد سؤالات هر کدام از مقیاسها نیز به تناسب کاهش یافت.

به‌منظور پیش‌بینی متغیر رضایت از ازدواج از روی هر کدام از مقیاسهای یازده‌گانه مجذور Eta محاسبه شد. مقیاس تاریخچه آشفتگی خانوادگی (FAM) با بالاترین مجذور و مقیاس کشمکش در فرزندپروری (CCR) با کمترین مجذور به ترتیب بیشترین و کمترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی میزان رضایت از ازدواج را داشته‌اند. روابط موجود بین مقیاسهای MSI را می‌توان از طریق مشاهده مستقیم همبستگی درونی مقیاسها یا از طریق آزمایش عوامل ساختاری پرسشنامه متوجه شد. برای سنجش میزان روایی، همبستگی مقیاسها با یکدیگر محاسبه شد. نتایج به‌دست آمده نشان‌دهنده همبستگی بالایی در بین مقیاسها می‌باشد، به‌خصوص آن مقیاسهایی که موارد کلی‌ترو عاطفی‌تر روابط زن و شوهر را ارزیابی می‌کنند. ترتیب رتبه‌ای همبستگی‌های میانگین هر مقیاس با دیگر مقیاس‌ها نشان‌دهنده ترتیب قدرت پیش‌بینی‌کنندگی هر مقیاس در زمینه آشفتگی ازدواج است. از روش همبستگی درونی برای تعیین میزان روایی مقیاسها استفاده شد و ضرایب مختلفی حاصل شد. بیشترین این همبستگی‌ها بین دو مقیاس آشفتگی فراگیر (GDS) و رضایت قراردادی (CNV)، و دو مقیاس آشفتگی فراگیر (GDS) و روابط عاطفی (AFC) از سوی دیگر بوده است. در تحقیقات اشنايدر (۱۹۷۹) و شی‌یر (۱۹۸۴) نیز نتایج مشابه حاصل شده بود.

روایی تفکیکی از طریق مقایسه میانگین‌های دو گروه افراد راضی از ازدواج و ناراضی از ازدواج به‌دست آمد و یازده مقیاس مختلف در هر دو گروه مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند. همه تفاوت‌های موجود بین میانگین‌های هر دو گروه در همه

مقیاسها از لحاظ آماری معنادار بودند. با توجه به این یافته‌ها می‌توان استنباط کرد که آزمون MSI به خوبی می‌تواند دو گروه راضی و ناراضی از ازدواج را با اطمینان از یکدیگر تفکیک کند و قادر به تشخیص افراد ناراضی از ازدواج و زمینه‌نارضایتی آنها بپردازد.

در مجموع می‌توان گفت که آزمون رضایت ازدواج (MSI) در کشور ما دارای کاربرد بوده و به‌طور مؤثری برای غربال کردن زوجین دارای مشکلات زناشویی از زوجین بدون مشکل مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این پرسشنامه یک ابزار تشخیصی برای درمانگران روان‌شناس، مشاوران خانواده، مشاوران ازدواج و دیگر متخصصانی که با مسأله ازدواج و طلاق سر و کار دارند، خواهد بود. امید است که افراد علاقه‌مند به این زمینه از روان‌شناسی و مشاوره بتوانند با به‌کارگیری آن قدم مهمی در راه سلامت روانی و اجتماعی جامعه بردارند. همچنین از علاقه‌مندان خواسته می‌شود که در طرح‌های پژوهشی خود از این آزمون استفاده کنند. این آزمون در مدت زمان بسیار کوتاهی در آینده نزدیک در اختیار روان‌شناسان، مشاوران، روانپزشکان، مددکاران اجتماعی و کلیه علاقه‌مندان به امر مداخله در تعارضات زناشویی و خانواده قرار خواهد گرفت. یک نیمرخ بالینی هم تهیه شده است که در تعبیر و تفسیر پاسخهای افراد مورد استفاده خواهد گرفت. این نیمرخ هم به‌صورت انفرادی و هم به‌صورت زوجی مورد استفاده زن و شوهر در دسترس است. از ویژگیهای این نیمرخ این است که به سرعت ما را به تشخیص نوع و شدت مشکل زوجین می‌رساند.

در این تحقیق به اندازه کافی در خصوص توجه به میزان اعتبار، پایایی و روایی که از مهمترین شاخص‌های هنجاریابی یک آزمون می‌باشند، بحث و گفت‌وگو شده است و نتایج به‌دست آمده، گویای این مطلب است. با وجود این پیشنهاد می‌شود که:

- ۱- محققان علاقه‌مند در این زمینه از نمونه‌های آماری مختلفی استفاده کنند، تا کلیه اقشار یک جامعه مورد بررسی قرار گیرد و نتایج این گونه تحقیقات جامعیت بیشتری پیدا کند.

- ۲- پژوهشگران علاقه‌مند میزان همبستگی این پرسشنامه را با دیگر آزمونهای معتبر در این گروه به‌دست آورند تا بتوانند با قاطعیت و اطمینان بیشتری از نسخه فارسی پرسشنامه رضایت از ازدواج بهره ببرند.

۳- علاقه‌مندان در دیگر شهرهای بزرگ و مهم کشور هم به‌منظور به‌دست آوردن روایی، پایایی و اعتبار این آزمون، آن‌را مورد استفاده قرار دهند تا هنجاریابی آن جنبه ملی پیدا کند.

منابع

- ثنائی، باقر. (۱۳۷۹)، *مقیاسهای سنجش خانواده و ازدواج*، مؤسسه انتشارات بعثت، تهران، چاپ اول.
- Abbott, B.V., & Snyder, D.K. (2002). Couple distress. In M.M. Antony & D.H. Barlow (Eds.), *Handbook of assessment and treatment planning for psychological disorders* (pp. 341 – 374). New York, NY: Guilford Press.
- Azrin, N.H., Naster, B.T., & Jones, R. (1973). Reciprocity Counseling: A quick way to marriage counseling based on learning. *Behavioral Research and Therapy*. 11,365 – 382 .
- Baucom, D.H., Snyder, D.K., & Gordon, K.C. (2007). *Treating couples recovering from affairs*. New York, NY: Guilford Press.
- Castellani, A.M., Snyder, D.K., & Schneider, W.J. (2003) . Tailoring couple therapy to individual differences: A conceptual approach. In D. K. Snyder & M. A. Whisman (Eds.), *Treating difficult couples: Helping clients with coexisting mental and relationship disorders* (pp. 27 – 51). New York, NY: Guilford Press.
- Castellani, A.M., Whisman, M.A., & Snyder, D.K., (2006) . Current status and future directions in couple therapy. *Annual Review of Psychology*, 57,317 – 344 .
- Cepeda-Benito, A., Abbott, B., Gleaves, D.H., Negy, C., Hahlweg, K. Laurenceau, J.P., & Snyder, D.K. (2004). Cross-cultural applications of

- the Marital Satisfaction Inventory-Revised (MSI-R). In M.E. Maruish (Ed.), *Use of psychological testing for treatment planning and outcomes assessment* (3rd ed.) (pp. 603 – 623). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Cook, W.J., & Snyder, D.K. (2005). Analyzing nonindependent outcomes in couple therapy using the actor-partner interdependence model. *Journal of Family Psychology*, 19,133 – 141 .
- Doss, B.D., & Snyder, D.K. (2005). Treating infidelity: Clinical and ethical directions. *Journal of Clinical Psychology*, 61,1453 – 1465 .
- Edwards, J. N., Johnson, D. R., & Booth, A. (1987). Coming apart: A prognostic instruction of marital breakup. *Family Relations*, 36,168 – 170 .
- Epstein, N.B., Baldwin, LM, & Bishop, D.S. (1983). Mac Masters Family Assessment Device. *Journal of Marital and Family Therapy*, 9,171 – 180 .
- Gordon, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2004^a). An integrative intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *Journal of Marital and Family Therapy*, 30,213 – 231 .
- Gordon, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2004^b). Treating affair couples: Extending the written disclosure paradigm to relationship trauma. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 11,155 – 160 .
- Hathaway, S.R., & McKinly, J.C. (1943). The Minnesota Multiphasic Personality Schedule. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Heyman, R., Haynes, S. N., & Snyder, D. K. (2005). Evidence-based approaches to assessing couple distress. *Psychological Assessment*, 17,288 – 307 .
- Hudson, W. W. (1992). Index of Marital Satisfaction. WALMYR Publishing Co., P.O. Box 24779, Tempe, AZ 85285 – 4779 .

- Juni, S. & Grimm, D.G. (1994). "Marital Satisfaction as a Function of Dyadic Gender-Role Constellations," *The American Journal of Family Therapy*, Vol. 22, No. 2:106 – 112.
- Keyser, D. & Sweetland, R.C. (1985). *Test Critiques*, Vol. 3. Austin, TX: PRO-ED.
- Lock, H.J. & Wallace, K.M. (1959). Short marital-adjustment and prediction tests: Their reliability and validity. *Marriage and Family Living*, 21,251 – 255.
- Mangrum, L.F., & Snyder, D.K. (2005). Approaches to prediction: Correlation, regression, and classification techniques. In D. H. Sprenkle & F. P. Piercy (Eds.), *Research methods in family therapy* (2nd ed.) (pp. 368 – 402). New York: Guilford Press.
- Meehl, P.E. (1954). *Clinical vs. statistical prediction*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Mitchell, J.V. (1985). *The Ninth Mental Measurements Yearbook*. Lincoln, NE: Buros Institute of Mental Measurements.
- Negy, C. & Snyder, D. K. (2000). Reliability and equivalence of the Spanish translation of the Marital Satisfaction Inventory--Revised (MSI-R). *Psychological Assessment*, 12(4) : 425 – 430.
- Negy, C. & Snyder, D.K. (1997). Ethnicity and Acculturation: Assessing Mexican American Couples' Relationships Using the Marital Satisfaction Inventory--Revised (MSI-R). *Psychological Assessment*, 9(4) : 414 – 421.
- Olson, D. H. & Fowers, B. J. (1993). Five Types of Marriage: An Empirical Typology Based on ENRICH. *The Family Journal*, 1,(3),196 – 207.
- Olson, D. H., Portner, J. & Lavee, Y. (1985). Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale (FACES-III). *Family Process*, 25,337 – 351.

- Olson, D. H., Mc Cubbin, H.I, Barnes, H.L., Muxen, M.J., Larsen, A.S. & Wilson, M.A. (1989) . *Families*. California: Sage Publication Inc.
- Scheer, N. S. & Snyder, D.K. (1984) . Empirical validation of the Marital Satisfaction Inventory in a nonclinical sample. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 52,(1),88 – 96 .
- Simpson, J. A., Hughes, J. N., & Snyder, D. K. (Eds.) (2006) . *Emotion regulation in couples and families: Pathways to dysfunction and health*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Snyder, D. K., Baucom, D. H., & Gordon, K. C. (2007) . *Getting past the affair: A program to help you cope, heal, and move on*. New York, NY: Guilford Press.
- Snyder, D.K. (1979) . Multidimensional Assessment of Marital Satisfaction. *Journal of Marriage and the Family*, 41,(4),813 – 823 .
- Snyder, D.K., & Smith, G.T. (1986) . Classification of marital relationships: An empirical approach. *Journal of Marriage and the Family*, 48,137 – 146 .
- Spanier, G.B. (1976) . Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and Family*, 38,15 – 28 .
- Whisman, M. A., & Snyder, D. K. (2003) . *Treating difficult couples: Helping clients with coexisting mental and relationship disorders*. NewYork, NY: Guilford Press.
- Whisman, M. A., & Snyder, D. K. (2004) . Treating distressed couples with coexisting mental and physical disorders: Directions for clinical training and practice. *Journal of Marital and Family Therapy*, 30,1–12 .

Wirt, R.D., Lachar, D., Klinedinst, J.K., & Seat, P.D. (1977) . Multidimensional description of child personality: A manual for the Personality Inventory for Children, Los Angeles: Western Psychological Services

تاریخ وصول: ۸۶/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۶/۹/۲۱